

Experience of Symbolic Violence among Immigrant Student's and Its Psychosocial Consequences

Niloofer Koshkaki: M.Sc. of counseling, faculty of psychology and educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. niloofarkoshkaki@gmail.com

Kiiumars Farahbakhsh*: Associate professor of counseling, faculty of psychology and educational sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. kiiumars@yahoo.com

Masomeh Esmaili: Professor of counseling, faculty of psychology and educational sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. masemaaily@yahoo.com

Abstract

Introduction: Migration, in addition to social, cultural, and economic consequences, undoubtedly has different psychological consequences for immigrants. These consequences can have a huge impact on their mental health. Therefore, the purpose of this study was to investigate the experience of symbolic violence and its psycho-social consequences among immigrant students and to determine its final structure in research participants.

Methods: The present study is psychological qualitative research with an Interpretative phenomenological analysis approach in which fifteen migrant students consist of six girls and nine boys have been selected and studied in 2017-2018 through purposive sampling. The deep interview method was used to collect data and this process continued until the data saturation stage.

Results: Data analysis indicated five components of symbolic violence and its psycho-social consequences in the school context. The components of symbolic violence were: violent language, social and cultural identity violence, and violence through social discrimination. The components of psychological consequences were: passive reactions, and active reactions, each of which is discussed extensively in the text.

Conclusions: Given that the results of this study illustrate the numerous psychological and social consequences associated with symbolic violence for immigrant students, policymaking in this area is of great importance that requires attention, recognition, and interaction between different institutions to reduce its undesirable consequences.

Keywords

Symbolic Violence
Mental Health
Migration
School
Phenomenology

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 03 Nov 2014
Accepted: 01 Feb 2015

Please cite this article as follows:

Koshkaki N, Farahbakhsh K, and Esmaili M,. Experience of symbolic violence among immigrant student's and its psychosocial consequences. Quarterly journal of social work. 2019; 9 (3); 20-29

تجربه خشونت نمادین در بین دانش‌آموزان مهاجر و پیامدهای روانی-اجتماعی آن

نیلوفر کوشکی: کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. niloofarkoshaki@gmail.com
کیومرث فرحبخش*: دانشیار مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. kiiumars@yahoo.com
معصومه اسمعیلی: استاد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. masemaaily@yahoo.com

واژگان کلیدی

خشونت نمادین

سلامت روان

مهاجرت

مدرسه

پدیدارشناسی

چکیده

مقدمه: مهاجرت علاوه بر پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بدون شک دارای پیامدهای روان‌شناختی مختلف برای مهاجران می‌باشد. این پیامدها در سلامت روان مهاجران تاثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه خشونت نمادین و پیامدهای روانی-اجتماعی آن در بین دانش‌آموزان مهاجر و مشخص کردن ساختار نهایی آن در شرکت‌کنندگان پژوهش است.

روش: در این پژوهش از مطالعه کیفی از نوع پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد. پانزده دانش‌آموز، شش دختر مهاجر و نه دانش‌آموز پسر مهاجر به روش نمونه‌گیری هدفمند در سال هزار و سیصد و نود و هفت انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق استفاده شد و این روند تا مرحله اشباع داده‌ها ادامه یافت.

نتایج: تحلیل داده‌ها، پنج بند تشکیل دهنده خشونت نمادین و پیامدهای روانی-اجتماعی آن را در بافت مدرسه نشان دادند که بندهای خشونت نمادین عبارت بودند از: خشونت زبانی، خشونت هویت اجتماعی و فرهنگی و خشونت از طریق تبعیض اجتماعی. بندهای پیامدهای روانی-اجتماعی عبارت بودند از: واکنش‌های منفعلانه و واکنش‌های فعالانه که هر کدام در متن به صورت مبسوط مورد بحث قرار گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه نتایج این پژوهش بیانگر پیامدهای متعدد روانی و اجتماعی مرتبط با خشونت نمادین برای دانش‌آموزان مهاجر است، سیاست‌گذاری در این حوزه از سلامت از اهمیت زیادی برخوردار است که نیازمند توجه، شناخت و تعامل بین نهادهای مختلف برای کاهش پیامدهای نامطلوب آن است.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۸

نیلوفر کوشکی، کیومرث فرحبخش و معصومه اسمعیلی. تجربه خشونت نمادین در بین دانش‌آموزان مهاجر و پیامدهای روانی-اجتماعی آن. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۹؛ ۹ (۳): ۲۹-۲۰

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

یکی از وقایع مهمی که در زندگی هر فرد می‌تواند رخ دهد و اهمیت آن در زندگی‌های جدید با توجه به تحولات رخ داده شده در جامعه معاصر روز به روز افزوده می‌گردد؛ مهاجرت است. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، ۸۴۴۹۲۵ نفر وارد استان تهران شده‌اند. از این میان ۱۷۳۴۶۴ نفر نوجوانان و کودکانی بوده‌اند که در سن مدرسه قرار داشته‌اند. همچنین بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ حدود ۵۱۵۵۶۷ مهاجر افغان در استان تهران زندگی می‌کنند. [۱] اگرچه مهاجرت در همه دوران زندگی دارای اهمیت است؛ ولی برای نوجوانان اهمیت آن معنای دیگری می‌یابد زیرا که این دوران با شکل‌گیری هویت در فرد پیوند دارد. دوره نوجوانی نسبت به سایر دوره‌های سنی، مرحله مشکلت‌تری برای مهاجرین به‌نظر می‌رسد. زیرا فشارها و ناراحتی‌های روانی برای هویت‌یابی و تعلق‌پذیری اجتماعی که دو تکلیف دوره نوجوانی هستند، مشکلات زیادی را برای نوجوان پیش می‌آورند. [۲] نوجوانان مهاجر با ورود به جامعه مقصد با جامعه جدید با ساختاری متفاوت از لحاظ زبانی، فرهنگی و اجتماعی روبرو می‌شوند که در تعامل با اکثریت ممکن است منجر به شکل‌گیری خشونت نمادین شود. خشونت نمادین، نوعی از خشونت است که با همدستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آن‌ها اعمال می‌شود و نیز کسانی که آن‌ها را اعمال می‌کنند انجام می‌شود. زیرا هر دو گروه نسبت به اعمال آن آگاهی ندارند. [۳] خشونت نمادین در واقع شکلی از خشونت است که به‌صورت نمادین اعمال می‌شود. [۴]

یکی از مسیرهای اصلی که به‌وسیله آن خشونت نمادین ایجاد و تداوم می‌یابد از طریق مدرسه و آموزش می‌باشد. برای مثال زبان و لهجه مورد استفاده توسط کودکان ممکن است به‌وسیله گروه غالب مورد تمسخر قرار گیرد. [۵] همچنین کودکان طبقه متوسط ممکن است با ایجاد گروه‌هایی در بین خود کودکان طبقه پایین را در حاشیه قرار دهند و خود را از آن‌ها برتر بدانند. این امر در موارد دیگر نیز صادق است نوع دیگری از آن که در تحقیق حاضر مورد توجه و پژوهش قرار می‌گیرد میان نوجوانان مهاجر در جامعه مقصد می‌تواند مشاهده کرد. کودکان و نوجوانان مهاجر در هنگام ورود به مدرسه با گروهی از دانش‌آموزان و معلمان روبرو می‌شوند که به لحاظ زبانی، فرهنگی و گاه رفتاری با آن‌ها متفاوت هستند و این امر گاه منجر به تمسخر لهجه، فرهنگ، رفتار و ظاهر آن‌ها توسط گروه غالب می‌گردد. این مساله به لحاظ روانشناسی و سلامت روان با اهمیت است چرا که گاه منجر به انزوا، گوشه‌گیری، بحران هویت و ناتوانی در برقراری ارتباط در کودک یا نوجوانان می‌گردد که بر سایر امور زندگی مانند پیشرفت تحصیلی، مشکلات سازگاری و ارتباط موثر و... فرد نیز تاثیرگذار است. در رابطه با مساله خشونت نمادین تاکنون مطالعات ارزشمندی در سطح بین‌المللی انجام شده است. این مفهوم نخستین بار توسط نظریه‌پرداز سرشناس فرانسوی پیر بوردیو مطرح گردید. وی در مطالعات متعددی مانند حوزه مردانه، [۴] نظام آموزش و پرورش و نظام تفکر، [۶] بازتولید آموزش و پرورش، فرهنگ و جامعه [۷] به مفهوم خشونت نمادین اشاره کرد. به‌دنبال مطالعات بوردیو مفهوم خشونت نمادین در مطالعات دیگر محققان مورد استفاده و پژوهش قرار گرفت؛ که بیشتر این مطالعات در حوزه علوم اجتماعی بوده است. در این رابطه می‌توان به مطالعاتی مانند ریکورر [۸]، [۸] هرست [۹]، [۹] مندر [۱۰]، [۱۰] ساندرا و همکاران [۱۱]، [۱۱] یامک و همکاران [۱۲]، [۱۲] و فرناندز و همکاران [۱۳] اشاره کرد. پیوند میان مهاجرت، خشونت نمادین و مدرسه برای پژوهش در حوزه روان‌شناسی و سلامت روان دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است؛ زیرا که تاکنون تحقیقات انجام شده در حوزه مهاجرت در ایران به پیامدهای روان‌شناختی آن توجه نکرده‌اند. از سوی دیگر همان‌گونه که توضیح داده شد مدرسه به‌عنوان یک فرایند جریان‌ساز گاه به شکل‌گیری فرایند خشونت نمادین علیه مهاجران تبدیل می‌شود که حتی معلمان و مسوولان امر آموزش و پرورش از آن بی‌خبر بوده و افت، افسرگی، انزواطلبی دانش‌آموز مهاجر را به اشتباه به عوامل دیگر ارتباط می‌دهند و حتی خود آن‌ها گاه در شکل‌گیری این فرایند دخیل می‌شوند. از سوی دیگر تحقیقات انجام شده در حوزه خشونت نمادین حتی در سطح بین‌المللی کمتر به حوزه مدرسه توجه کرده‌اند. تاکنون تحقیقات اندکی به مساله خشونت نمادین در بین نوجوانان مهاجران در مدرسه توجه کرده‌اند. از جمله تحقیقاتی که در سطح بین‌المللی به این مساله توجه کرده‌اند می‌توان به مطالعاتی نظیر شیلا و همکاران [۱۴] و کوان [۱۵] اشاره نمود. شیلا و همکاران [۱۴] به مطالعه خشونت نمادین در بین مهاجران مکزیکی در ایالت متحده آمریکا پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان دهنده آن بود نگرش منفی و خصومت‌آمیزی که نسبت به مکزیکی‌ها در ایالت متحده وجود دارد در فرهنگ مدرسه و به‌ویژه در رابطه با زبان و ارزش‌های اجتماعی و باورهای غالب باز نمود می‌یابد. کوان [۱۵] نیز به مطالعه

پرگار تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی مهدی زاده [۱۷] اشاره کرد. تاکنون پدیده خشونت نمادین در مدرسه و تحقیقات روانشناسی و سلامت روان در مطالعات ایران مورد توجه نبوده است. با توجه به اهمیت این موضوع در مطالعات روانشناسی به‌ویژه حوزه مدرسه و فقدان مطالعات داخلی در این زمینه نبود مطالعات تجربی در رابطه با خشونت نمادین در مدرسه کاملاً احساس می‌گردد. از سوی دیگر مساله مهاجرت توجه به این امر را برای انجام تحقیق مضاعف می‌کند. یکی از مساله‌های عمده در جامعه ایران مساله مهاجرت می‌باشد و همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید مهاجرت می‌تواند به ایجاد خشونت نمادین منجر گردد که شناخت این پدیده را برای مشاوران و روانشناسان حوزه مدرسه لازم و ضروری می‌سازد. بنابراین با توجه به اهمیت خشونت نمادین در بین دانش‌آموزان مهاجر و فقدان بررسی این پدیده در مطالعات گذشته در ایران تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که تجربه دانش‌آموزان مهاجر از خشونت نمادین چیست؟ و دانش‌آموزان مهاجر چگونه خشونت نمادین را توصیف، معنا و درک می‌کنند؟ و در نهایت ساختار و پیامدهای روانی-اجتماعی پدیده خشونت نمادین در تجربه مشارکت‌کنندگان پژوهش چیست؟

خشونت در مدارس کره جنوبی و رابطه آن با صلح آموزشی پرداخته است. وی در مطالعه خود نشان داد چگونه زمینه‌های تاریخی-اجتماعی و ایدئولوژیکی به ایجاد خشونت فرهنگی در مدرسه منجر می‌شود. کوان بر تغییر این ارزش‌ها برای ایجاد صلح آموزشی تاکید دارد. با مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه خشونت نمادین در ایران می‌توان گفت مطالعات انجام شده بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی خشونت نمادین تاکید کرده‌اند که این مطالعات نیز اندک هستند. از جمله تحقیقاتی که در ایران انجام گرفته است و به خشونت نمادین تاکید کرده‌اند می‌توان به تحقیقاتی نظیر تحلیل روابط بین فردی در فیلم‌های هالیوود دهه ۲۰۰۰ رستمی فر و بهیان، [۱۶] سکولاریزم و خشونت نمادین در گفتمان تلویزیونی؛ تحلیل گفتمانی برنامه

روش

با توجه به هدف اصلی پژوهش این از روش کیفی استفاده شد. روش کیفی پدیده‌ها را همان‌طور که رخ داده‌اند، در وضعیت طبیعی‌شان کشف می‌کند و آن‌ها را بر حسب معانی که مردم برای آنان پذیرفته‌اند در می‌یابد. [۱۸] از میان رویکردهای متعدد تحقیق کیفی برای بررسی تجربه مشارکت‌کنندگان این پژوهش، رویکرد پدیدارشناسی تفسیری برگزیده شد. در روش پدیدارشناسی تفسیری تمرکز به روی تجربه افراد و درک آن‌ها از یک پدیده خاص است. [۱۹] پرسش‌های تحقیق پدیدارشناسی تفسیری در این تحقیق باز، اکتشافی و غیر توصیفی و مشخصاً به سمت معنا جهت‌گیری داشته‌اند و سوالاتی که مانند فرضیه‌ها بر روی تفاوت‌ها و دلایل متمرکز شده‌اند طرح نشده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر دارای تجربه مهاجرت می‌باشند. با توجه به داده‌های مرکز آمار ایران، استان تهران همواره در صدر استان‌های مهاجرپذیر ایران قرار داشته و در سرشماری ۱۳۹۵ نیز رتبه نخست را از این لحاظ دارا بوده است. [۱] یکی از شهرستان‌های مهاجرپذیر استان تهران در سال‌های اخیر شهرستان بهارستان دو به مرکزیت نسیم شهر است. این شهرستان با توجه به بافت مهاجرتی آن برای پژوهش حاضر انتخاب گردید. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مهاجر شاغل به تحصیل در مقطع متوسطه دوم در شهرستان بهارستان دو استان تهران است که در اقلیت نسبت به گروه اکثریت قرار داشتند.

ملاک‌های ورود

مشارکت‌کنندگان پژوهش نسبت به خشونت نمادین آگاه باشند، مشارکت‌کنندگان تجربه پدیده مورد نظر را داشته باشند، مشارکت‌کنندگان تمایل به شرکت در پژوهش و در اختیار گذاشتن تجارب خویش داشته باشند، مشارکت‌کنندگان از نسل اول یا نسل دوم مهاجران بوده و در جامعه مقصد در اقلیت باشند.

قبل از شروع مصاحبه‌ها برای شناخت دقیق‌تر، میدان پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت. سپس شناسایی دانش‌آموزان مهاجر با توجه به سوابق تحصیلی، شناخت کادر اداری و همکاری دانش‌آموزان مدرسه انجام شد. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، از نمونه‌گیری هدفمند و برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع داده‌ها استفاده شد. مدت جلسات مصاحبه به‌طور متوسط بین چهل و پنج تا شصت دقیقه بوده است. مصاحبه‌ها با رضایت کامل شرکت‌کننده‌ها ضبط و محتوای

نتایج در اختیار سه شرکت‌کننده خارج از گروه شرکت‌کنندگان قرار داده شد که این دو نتایج را تایید کردند. مساله‌های اخلاقی در این پژوهش شامل کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط محتوی مصاحبه و اطمینان به محرمانه ماندن اطلاعات، استفاده از اسم مستعار و همچنین حق انصراف از پژوهش در تمامی مراحل تحقیق بود.

آن بلافاصله بعد از هر مصاحبه از روی نوار پیاده شد و برای درک کلی محتوای گفته‌های شرکت‌کنندگان، چندین مرتبه خوانده شد. جهت افزایش معیار اعتبار در این پژوهش از مواردی همچون تخصیص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها و حسن ارتباط با شرکت‌کننده‌ها و برای معیار اعتمادپذیری، اطلاعات در اختیار چهار تحلیلگر کیفی قرار گرفت. کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت جداگانه انجام شد. در معیار تاییدپذیری، علاقه به مقوله مورد مطالعه، تماس دراز مدت با این مقوله و تلاش برای کسب نظرات دیگران در این زمینه از عوامل تعیین‌کننده تاییدپذیری بود. همچنین برای بررسی میزان انتقال‌پذیری،

یافته‌ها

در این پژوهش پانزده شرکت‌کننده مورد بررسی قرار گرفتند. نه دانش‌آموز پسر و شش دانش‌آموز دختر بوده‌اند. به لحاظ رشته تحصیلی نه دانش‌آموز در رشته انسانی و شش دانش‌آموز در رشته تجربی مشغول به تحصیل بوده‌اند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان در پژوهش شانزده و هفت دهم بوده است. پس از خواندن و دوباره خواندن مصاحبه‌های انجام شده و یادداشت برداری‌ها هفتاد و هفت مفهوم اولیه، بیست و یک مضمون فرعی و در نهایت پنج مضمون اصلی شناسایی شد.

مضمون اصلی اول: خشونت زبانی در تجربه زیسته دانش‌آموزان مهاجر تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر تجربه خشونت زبانی در مدرسه توسط گروه اکثریت اشاره نموده‌اند. شرکت‌کننده نهم در بیان تجربه زیسته خود از خشونت زبانی این‌گونه بیان می‌کند: "من اوایل سوتی می‌دادم دوستام می‌فهمیدند مسخره می‌کردند من چیزی نمی‌گفتم و می‌خندیدم. ولی سرم می‌انداختم پایین و چیزی نمی‌گفتم." شرکت‌کننده ششم نیز درباره تجربه مسخره شدن لهجه خود به دلیل آنکه نمی‌توانست در هنگام ورود به جامعه مقصد خوب صحبت کند این چنین بیان می‌کند: "کلا تا می‌اوادم حرف بزنم شروع می‌کردند زبان و لهجه من رو مسخره کردن چون من بلد نبودم خوب صحبت کنم." گاه مسخره شدن زبان و لهجه فرد جنبه فراتر از مدرسه به خود می‌گرفت و در مدرسه خود را نمایان می‌کرد یعنی همدستی رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری خشونت و باز نمود آن در میان گروه اکثریت در مدرسه علیه جمعیت مهاجر. شرکت‌کننده اول در این باره این‌گونه بیان می‌کند: "بچه‌ها گاهی لهجه‌ام را مسخره می‌کردند یه فیلمی بود که یکی از هنرپیشه‌ها بازی می‌کرد در اون به لهجه اتباع صحبت می‌کرد بعد بچه‌ها می‌اومدند اون تکیه کلام‌ها رو به من می‌گفتند و من رو مسخره می‌کردند." گاهی هم خشونت نمادین زبانی توسط معلم صورت می‌پذیرفت. شرکت‌کننده پانزده در این زمینه این‌گونه می‌گوید: "معلم ریاضی من رو مسخره می‌کرد به من می‌گفت تو نمی‌تونی خوب صحبت کنی." و بعد لهجه من رو مسخره می‌کرد.

مضمون اصلی دوم: خشونت هویت اجتماعی و فرهنگی در تجربه زیسته دانش‌آموزان مهاجر یکی دیگر از تم‌های اصلی نمایان شده در تجربه زیسته دانش‌آموزان مهاجر خشونت هویت اجتماعی و فرهنگی است. همان‌گونه که در جدول شماره دو بیان شده است خشونت هویت اجتماعی و فرهنگی خود از زیر مضمون‌های فرعی شامل خشونت از طریق برچسب‌زنی، تمسخر قومیتی و تمسخر هویت خانوادگی تشکیل شده است. در رابطه با خشونت هویت اجتماعی از طریق برچسب‌زنی که می‌توان گفت از اشکال بسیار رایج این نوع از خشونت نمادین است شرکت‌کننده شماره نه این‌گونه بیان می‌کند: "اونا تکه می‌انداختن. مشارکت‌کننده شماره شش در این رابطه این‌گونه بیان می‌کند: "بچه‌ها به ما لقب می‌داشتن ولی الان زیاد یادم نیست، البته بچه‌ها به زبان دیگه ای می‌گفتن ما نمی‌فهمیدیم... چی بگم بهشون یا می‌گن لات و لوتن." شرکت‌کننده شماره سیزده در رابطه با برچسب زنی این‌گونه بیان می‌کنند: "بچه‌ها به من می‌گن تریاک، حشیش." شرکت‌کننده شماره دو در رابطه با این‌گونه خشونت توسط معلم می‌گوید: "تا شروع می‌کردم حرف زدن معلم می‌گفت... تو حرف نزن. گاهی وقتا هم معلم ما رو مسخره می‌کرد." در رابطه با تمسخر قومیتی شرکت‌کننده شماره هشت این‌گونه بیان می‌کند: "یه بار معلم تاریخمون می‌گفت خیلی مردم

چه کاری می‌تونم پیدا کنم. " شرکت کننده شماره چهار در این رابطه این‌گونه می‌گوید: "اوایل خیلی سخت بود. من دوس داشتم برم فنی بخونم با اینکه کلی برنامه ریخته بودم ولی بعد گفتن که اتباع نمی‌تونند برن فنی بخونند. کلا آدم هم چیزی نمی‌تونه بگه. چون آخه فایده‌ای نداره. ترس از گفتن و اینکه باید داخل خودت بریزی. آدم به جوری می‌شه که ترک تحصیل کنه. " این شرکت کننده همچنین این‌گونه بیان می‌کند: "من همیشه موقع ثبت نام مدرسه با مشکل بر می‌خورم مثلا وقتی به جایی می‌خوام برم به یه جایی عادت می‌کنم با مشکل بر می‌خورم. مثلا مدرسه دیگه پر شده بود. من مجبور شدم مدرسه غیر انتفاعی برم. چون اونجا هزینهش برام زیاد بود تونستم بمونم. " گاه این‌گونه تبعیض به شکل نادیده گرفتن افراد انجام می‌شود. در این رابطه شرکت کننده شماره هفت می‌گوید: "مثلا بعضی از معلم‌ها ترکی صحبت می‌کردند مثلا می‌گفتم آقا اگه امکان داره فارسی صحبت کنید من متوجه نمی‌شم. مثلا بعضی بچه‌ها از گلستان از شمال کشور بودند اونا هم متوجه نمی‌شن. معلم بعضی از تکه‌ها رو به ترکی می‌گفت ما نمی‌فهمیدیم."

گاهی مواقع نیز تبعیض از طریق ندادن حق صحبت و اظهار نظر به فرد انجام می‌گیرد. در این رابطه شرکت کننده شماره سیزده می‌گوید: "می‌گن چون تو افغانی هستی نمی‌تونن حرف بزنی. یا این کار رو بکنی اجازه صحبت کردن رو به ما نمی‌دن. چیزی رو که بخوام به حق بگم نمی‌تونم توضیح درستی بیارم. میگن تو افغانی هستی جرات نداری این حرف رو بزنی یا این کار رو بکنی. اگر من چیزی می‌گفتم یک چند تا بلند می‌شد می‌گفت تو بیگانه‌ای نباید چیزی بگی."

مضمون شماره چهار: واکنش منفعلانه در برابر تجربه خشونت نمادین در دانش‌آموزان مهاجر واکنش‌های دانش‌آموزان مهاجر در برابر تجربه خشونت نمادین به صورت‌های مختلف انجام می‌پذیرد که در اینجا برای جلوگیری از بسط زیادی و جمع‌بندی بهتر در دو مقوله منفعلانه و فعالانه خلاصه و مفهوم سازی شده است. یکی از مهمترین مقوله‌های که دارای مضامین فرعی زیاد می‌باشد و می‌توان گفت واکنش غالب مهاجران در برابر تجربه خشونت نمادین در مدرسه است واکنش‌های منفعلانه است. واکنش‌های منفعلانه دارای دوازده زیر مضمون فرعی شامل پنهان کردن هویت، درون خود ریختن، انزوا و گوشه‌گیری، افسردگی، اضطراب، کمبود اعتماد به نفس، بی‌هدفی، محدود شدن ارتباطات، افت تحصیلی، مشغولیت ذهن، مشارکت نکردن و عصبانیت می‌گردد. در اینجا برخی از مهمترین واکنش‌های منفعلانه توضیح داده می‌شود.

یکی از مهمترین و غالب‌ترین واکنش‌های منفعلانه که تقریباً توسط تمامی مشارکت‌کنندگان به‌عنوان ابزاری در برابر خشونت نمادین بیان گردیده است واکنش درون خود ریختن است. شرکت کننده

مثلا خشونت‌گری هستند، توی شهرشون یا توی خونشون حتما تفنگ دارند. یه بار پدرم رفته بود شیرینی فروشی بهش گفته بودند وقتی اول شهر وارد می‌شین یه تابلو زده لطفا حتما با اسلحه وارد بشید. شهر خطرناکیه. " شرکت کننده شماره پنج این‌گونه نقل می‌کند: "مثلا پارسال معلم جغرافیا مون می‌گفت مردم اونجا خیلی فقیر و پا برهنه راه می‌رن، چون خودش نرفته بود، استانش بهش گفته بودن داشت اینجوری می‌گفت. خیلی واقعا بهم برخورد. یعنی من پا برهنه راه می‌رفتم. " گاهی مواقع خشونت هویت اجتماعی و فرهنگی شامل خانواده می‌شد در این رابطه شرکت کننده شماره سیزده این‌گونه می‌گوید: "چند سال پیش شغل پدرم رو مسخره می‌کردند میگن خاصیتتون چاه کنه و اینا، ولی پدرم کارش یک چیز دیگه‌ای است. توی کارخانه پاژن هست. اصلا چاه کنی که می‌گن حالا توی فیلما که گفتن اصلا شاید بوده و کلا کمتر شده. " شرکت کننده شماره ده در این باره اینچنین می‌گوید: "فقیر بودن آدم هم مسخره می‌کنند. آخه ما به خاطر اینکه کار نبوده مهاجرت کردیم. از لحاظ اقتصادی زیاد خوب نیستیم. به من می‌گن شما فقیر هستید. یعنی خیلی فقیرید. "

مضمون اصلی سوم: خشونت از طریق تبعیض اجتماعی در تجربه زیسته دانش‌آموزان مهاجر مضمون سوم شناسایی شده در تجربه زیسته دانش‌آموزان مهاجر خشونت از طریق تبعیض اجتماعی است. مهاجرت به نوبه خود گاه می‌تواند به شکل‌گیری تبعیض بی‌انجامد و این تبعیض در قالب خشونت نمادین علیه فرد مهاجر عمل کند. شرکت کننده اول در رابطه با این‌گونه خشونت این‌طور بیان می‌کند: "دوست داشتم برم کامپیوتر بخونم ولی نگذاشتن. من رفتم رشته انسانی. الان با این رشته آگاهی زیاد ندارم و زیر رشته‌های انسانی نمی‌دانم. نمی‌دونم با این رشته

به مسخره کردن من می‌کردند. خیلی ناراحت می‌شدم الان هم چیزی نمی‌گم با اینکه لهجم بهتر شده با معلم‌هام زیاد ارتباط نمی‌گیرم.

بی‌هدف شدن و افت تحصیلی یکی دیگر از واکنش‌های تجربه شده در دانش‌آموزان مهاجر در محیط جدید بوده است. در این رابطه شرکت‌کننده شماره نه می‌گوید: "اونجا تست گرفتند نمونه دولتی من ثبت نام کردم ولی چون بعد می‌دونستم می‌خوایم بیایم تهران دیگه نخوندم ولی بعد گفتم کاش می‌خوندم شاید درسم بهتر می‌شد آینده بهتری داشتم کلا اینجا هدفی ندارم. هدفم کلا گم کردم. درس نسبت به قبل افت کرده." افسرده شدن در محیط جدید یکی دیگر از واکنش‌های منفعلانه دانش‌آموزان مهاجر است. در این رابطه شرکت‌کننده شماره پانزده می‌گوید: "بعضی از بچه‌ها که مثل من میان اینجا شاید افسرده بشن. آدم توی محیط که غریب باشه خوب نیست. آدم افسرده می‌شه کلا آدم اینجا داغونه. اوایل خیلی عصبانی بودم با این شرایط و کلا مثل قبل نمی‌تونم بخندم. آدم اینجا احساس بی‌ارزشی می‌کنه."

گاه تمسخره لهجه و زبان فرد توسط دیگران یا همان خشونت زبانی باعث کم شدن اعتماد به نفس در فرد می‌شود. شرکت‌کننده شماره هفت در این باره می‌گوید: "زمانی که می‌خوام برم کنفرانس بدم و یا معلم ازم سوال پرسه به جای اینکه توجه داشته باشم به مطالبم بیشتر به بچه‌ها توجه دارم که لهجه من رو مسخره نکنن به خاطر همین اعتماد به نفسم پایین اومده و ترجیح می‌دم کنفرانس ندم."

مضمون اصلی شماره پنجم:
واکنش فعالانه در برابر تجربه خشونت نمادین در دانش‌آموزان مهاجر
واکنش‌های فعالانه را می‌توان به صورت کلی در دو حوزه منفی و مثبت تقسیم‌بندی کرد. گاه خشونت نمادین به درگیری فیزیکی با افراد منجر می‌شود که می‌توان آن را واکنشی منفی تلقی کرد. اما

شماره نه در این رابطه این‌گونه نقل می‌کند: "من اوایل سوتی می‌دادم دوستانم می‌فهمیدند مسخره می‌کردند. من چیزی نمی‌گفتم ولی سرم می‌انداختم پایین و چیزی نمی‌گفتم. بیشتر درون خودم می‌ریختم." گاه این درون خود ریختن منجر به پیامدهای ناگوار روان‌شناختی برای فرد و مراجعه ببه روانپزشک شده است؛ که به دلیل آشنایی نداشتن روانپزشک با خشونت نمادین و حتی ناشناخته بودن برای دیگران منجر به تجویز دارو برای او شده است. شرکت‌کننده شماره یک در این باره چنین می‌گوید: "حالا توی فیلم‌ها که گفتند اصلا شاید بوده و کلا کمتر شده. یه فیلمی بود جواد رضویان بازی می‌کرد بعد بچه‌ها می‌اومدند اون تکه کلام‌ها رو به من می‌گفتند. من می‌گفتم چیزی نیست. الانا کمتر شده حالا هر شرکتی یه ساختمان داره و به چاه نیاز داره خیلی ناراحت می‌کرد. توی خودم می‌ریختم، و خیلی چیزهای دیگه که من رو ناراحت می‌کرد و توی خودم می‌ریختم. همین الان که پیش شما هستم دارم می‌گم و خودم خالی می‌شم قبلا چون توی خودم می‌ریختم مریض اعصاب گرفتم. حتی به روانپزشک مراجعه کردم که قرص برام تجویز کرد."

شرکت‌کننده شماره هشت در این باره این‌گونه می‌گوید: "ما به خاطر شغل بابام اومدم اینجا و گرته نمی‌اومدم. من اصولا توی خودم می‌ریزم وقتی می‌شنوم قضاوت نادرست در مورد شهرمون این من رو خیلی ناراحت می‌کنه. کلا آدم درون‌گرایی هستم. شاید چیزی نگم ولی می‌ریزم توی خودم." شکل دیگر واکنش منفعلانه به تجربه خشونت نمادین پنهان کردن هویت خود است. در این رابطه شرکت‌کننده شماره نه می‌گوید: "معلم می‌گفت اصالت کجاییه. روم نمی‌شد بگم. ش می‌ترسیدم کسی من رو مسخره کنه، بهم بخندند مثلا پارسال اومدم اینجا معلم گفت کجایی هستی گفتم بچه‌ها خندیدند. شرکت‌کننده شماره دو نیز در این رابطه چنین نقل می‌کند: "بیشتر بچه‌ها نمی‌دونند من کجاییم. من بهشون نمی‌گم همش به ظاهرم گیر می‌دن."

شکل دیگر واکنش‌های منفعلانه به صورت انزوا و گوشه‌گیری نمایان می‌شود. شرکت‌کننده شماره چهارده در این رابطه این‌گونه بیان می‌کند: "من اوایل که اینجا اومده بودم چون لهجه داشتم دوستانم می‌فهمیدند به من می‌خندیدند به همین دلیل کمتر حرف می‌زدم و سعی می‌کردم ردیف آخر بشینم و چیزی نگم." گاه این واکنش‌های منفعلانه شامل محدود شدن ارتباطات می‌گردد. شرکت‌کننده شماره چهارده در این رابطه این‌گونه نقل می‌کند: "اوایل که اومده بودیم اینجا چون غریب بودیم و دوستی نداشتم خیلی برام سخت بود. کلا من اینجا دوستای زیادی ندارم همه دوستانم شهرستان هستند. چون اینجا دوست همشهری ندارم احساس تنهایی بیشتری می‌کنم." شرکت‌کننده شماره ده در این باره این‌گونه می‌گوید: "مثلا من توی کلاس لهجه داشتم گاهی وقتا معلم متوجه نمی‌شد من چی می‌گم اون وقت بچه‌های کلاس شروع

در رابطه با درگیری فیزیکی شرکت کننده شماره هفت این طور بیان می کند: "وقتی بچه‌ها لهجه من رو مسخره می کنند یه بار از ناراحتی زدم توی گوش یکی از بچه‌ها با اینکه زمان زیادی از این حرف می گذره ولی هنوز یادم نمی ره که من رو مسخره می کردند." در رابطه با تلاش برای توجیح کردن دیگران شرکت کننده شماره هشت این گونه نقل می کند: "گاهی وقتا وقتی معلم در مورد منطقه ماینجوری صحبت می کنه من سعی می کنم توجیحش کنم مثلا تهران شاید روستاهایی داشته باشه که مردمش فقیر باشند، درس نخونده باشند."

گاه افراد به صورت فعالانه واکنش نشان داده و سعی در تغییر دیدگاه افراد نسبت به خود از طریق تلاش برای توجیح کردن دیگران و تلاش به امید دادن به خود می کنند که می توان آن را جنبه مثبت دانست. در حالت کلی واکنش های فعالانه خیلی کمتر از واکنش های منفعلانه توسط دانش آموزان مهاجر تجربه می شود و اکثر شرکت کنندگان واکنش های منفعلانه را گزارش کرده اند.

بحث و نتیجه گیری

مهاجرت دارای پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی گوناگونی برای افراد است که از میان بعد روان شناختی و سلامت روان آن کمتر مورد توجه محققان بوده است. نوجوانان مهاجر با ورود به مدارس جامعه مقصد با دانش آموزانی همکلاسی و هم مدرسه ای می شوند که به لحاظ زبانی، فرهنگی و هویت اجتماعی گاه با آنها متفاوت بوده و همین مساله باعث پیامدهای گوناگونی برای وی می شود. بر این اساس مقاله حاضر کوشید به بررسی فرایند شکل گیری خشونت نمادین در مدرسه و پیامدهای روانی-اجتماعی گوناگون آن برای دانش آموزان مهاجر در جامعه مقصد بپردازد. در این راستا با توجه به ماهیت موضوع پژوهش روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انتخاب گردید. در این پژوهش ابتدا محققان به مشاهده دانش آموزان در یکی از مناطق مهاجرپذیر که دارای تنوع مهاجرتی به لحاظ قومیتی بود یعنی مدارس متوسطه دوم در شهرستان بهارستان دو پرداختند. انتخاب مقطع متوسطه دوم به آن دلیل بود که با توجه به ماهیت پیچیده موضوع، دانش آموزانی که امکان مشارکت و درک بهتری از آن داشتند انتخاب گردیدند.

با توجه به روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی در نهایت پانزده دانش آموز دختر و پسر انتخاب و با روش مصاحبه عمیق و باز، داده ها جمع آوری گردید. تحلیل داده های پژوهش نشان دهنده فرایند شکل گیری خشونت نمادین علیه دانش آموزان مهاجری که در جامعه مقصد در اقلیت قرار می گرفتند بود. این امر در مطالعات شیلا و همکاران [۱۴] و کوان [۱۵] نیز مشاهده شده بود. نتایج این تحقیق در راستا دو مطالعه قبلی می باشد. این خشونت گاه توسط دانش آموزان دیگر که در اکثریت قرار می گرفتند و گاه حتی توسط معلمان و مسوولان مدرسه انجام می گرفت. همان طور که انتظار می رفت این شکل از خشونت چون بیشتر از طریق نمادین و به وسیله زبان انجام می گیرد در خیلی از مواقع توسط کسانی که آن را اعمال می کنند و حتی توسط کسانی که آن را تجربه می کنند به عنوان نوعی از خشونت شناخته نمی شد. تحلیل داده ها نشان دهنده شکل گیری خشونت نمادین در دانش آموزان مهاجر است که در سه مضمون اصلی نمود می یابد. این سه مضمون شامل خشونت زبانی، خشونت هویت اجتماعی و فرهنگی و خشونت از طریق تبعیض اجتماعی بود که در تجربه زیسته مشارکت کنندگان در پژوهش شناسایی شدند. اما دو مضمون دیگر شامل واکنش های منفعلانه و واکنش های فعالانه بیانگر واکنش های تجربه شده دانش آموزان مهاجر در واکنش به این پدیده در مدرسه بودند که بسیاری از این واکنش ها جنبه روانی-اجتماعی داشتند. نتایج این پژوهش نشان داد که واکنش بیشتر دانش آموزان مهاجر به شکل گیری خشونت نمادین بیشتر جنبه منفعلانه دارد و دانش آموزان مهاجر بیشتر با مکانیزم های مانند درون خود ریختن و پنهان کردن هویت و اصالت خود با آن برخورد می کنند اگرچه بعضی از دانش آموزان مهاجر به صورت فعالانه وارد واکنش شده و سعی می کنند با آگاه کردن دیگران و امید دادن به خود با این پدیده روبرو شوند.

می توان گفت خشونت نمادینی که توسط دانش آموزان اکثریت بر علیه مهاجرین انجام می پذیرد با همراهی ساختارهای ناهنشیار یا عادت واره آنها همراه است. تغییر و از میان بردن این عادت واره که در بسیاری موارد به غلط شکل می گیرد؛ نیازمند آگاه سازی است همان گونه که داده های این پژوهش در راستای مبانی نظری نشان می دهد این نوع از خشونت بیشتر از روی شناخت نادرست و عادت واره غلط انجام می پذیرد. اما آنچه برای متخصصین سلامت روان اهمیت دارد و باید در

مهاجر نقش مهمی داشته باشند. سطح دوم دانش‌آموزان مدرسه می‌باشند. از آنجا که بسیاری از دانش‌آموزان ناآگاهانه به دلیل شناخت نادرست وارد ایجاد فرایند خشونت نمادین می‌شوند مشاوران می‌توانند با ایجاد کارگاه‌های آموزشی نقش مهمی در کاهش این فرایند داشته باشند. و سومین بحث آموزش و آگاهی بخشی به دانش‌آموزان مهاجر است تا به جای آنکه وارد واکنش‌های منفعلانه منفی شوند با واکنش‌های فعالانه مثبت با آن برخورد کنند چنانچه در این تحقیق نیز نمونه‌هایی از آن مشاهده شد.

از آنجا که در جامعه ما مهاجرت به دلایل مختلف در حال افزایش است آموزش دانش‌آموزانی با ویژگی‌های فرهنگی و قومیتی متفاوت بسیار مهم و ضروری است. بحث چند فرهنگی مساله است که باید در زمینه آموزش و پرورش حتی سطح کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان آموخته شود. تعاملی که بر پایه احترام متقابل بین فرهنگ‌ها شکل می‌گیرد.

سهم نویسندگان: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام پذیرفته است و تضاد منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری: بدینوسیله از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش نویسندگان را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌شود.

راستای آگاهی بخشی و کمک به حل چنین مساله‌هایی در مدرسه از آن استفاده کنند آن است که این پدیده تا حد زیادی ناشناخته مانده است و حتی تعداد زیادی از کسانی که از این نوع خشونت استفاده می‌کنند از این نوع خشونت و پیامدهای ناگوار آن برای دانش‌آموزان مهاجر از آشنایی کافی برخوردار نیستند.

محدویت‌ها: با توجه به اینکه این پژوهش به روش کیفی انجام شده است محدودیت‌های روش کیفی از جمله غیر ممکن بودن حذف سوگیری مشاهده‌گر، کنترل نداشتن بر روی اعتبار نتیجه‌گیری محقق و تعمیم‌پذیری نبودن بر تحقق حاضر نیز وارد است. از جمله دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به ویژگی‌های خاص مهاجران با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد. جلب اعتماد مصاحبه‌شوندگان جهت مشارکت در پژوهش حاضر امری دشوار بود. نوجوانان مهاجر با توجه به اینکه بیشتر تمایل به محافظه‌کاری و پنهان کردن هویت خود دارند جلب اعتماد آن‌ها برای مشارکت مساله‌ای دشوار بود. همچنین جلب ارتباط و همکاری مدارس برای انجام پژوهش از دیگر دشواری‌های پیش روی محقق بود. این امر نیازمند همکاری و تعامل بین متصدیان امر آموزش و پرورش و محققان می‌باشد.

پیشنهادها: از آنجا که خشونت نمادین فقط مربوط به بحث مهاجرت نیست و همان‌گونه که در این بررسی اشاره شده در رابطه با طبقات اجتماعی در مدارس و... نیز انجام می‌پذیرد تحقیقات آینده می‌توانند به مطالعه روان‌شناختی این پدیده و پیامدهای آن پردازند. بنابراین لازم است متخصصین سلامت روان آگاهی بخشی خود را در سه سطح دنبال کند. نخست آگاهی بخشی به مسوولان آموزش و پرورش. از آنجا که سالانه تعداد زیادی از مهاجرت‌های داخلی در ایران در حال انجام است به‌ویژه استان تهران، آگاهی‌سازی برای برخورد مناسب مسوولان آموزشی و پرورشی ضروری به‌نظر می‌رسد. معلمان با توجه به نقش و رسالت مهمی که در فرایند پرورش دانش‌آموزان دارند قطعاً می‌تواند در هدایت و مهار خشونت نمادین علیه دانش‌آموزان



References:

1. Iran Statistics Center. Detailed Results of census by provinces; 2016. [Persian]. Available from: <https://www.amar.org.ir/>
2. Shechmann Z. Group counseling and psychotherapy with children and adolescents: Theory, research, and practice. 1st Edition. Routledge. 2012. [Persian].
3. Grenfell M.J. Pierre Bourdieu: Key concepts. 1st Edition. Routledge, 2010. [Persian].
4. Bourdieu P. Masculine domination. Stanford: Stanford University Press; 2002.
5. Grenfell M, and Kelly M. Pierre Bourdieu: Language, culture and education – theory and practice. Oxford: Peter Lang; 2004.
6. Bourdieu P. Systems of education and systems of thought. International Social Science Journal. 1967; 19 (3): 336-358.
7. Bourdieu P, Passeron J.C. Reproduction in education, society and culture. Trans. Richard Nice. London: Sage; 1977.

8. Recuero R. Social media and symbolic violence. London: Sage; 2015.
9. Harrits GS. Political power as symbolic capital and symbolic violence. *Journal of Political Power*. 2011; 4(2), 237-258.
10. Menendez M.I. Cultural industries and symbolic violence: Practices and discourses that perpetuate inequality. *Social and Behavioral Sciences*. 2014; 161: 64 – 69.
11. Sandra A, Reinaldo J, and Stabelini A.M. The invisible violence: Symbolic violence and relations of sociability in Brazilian schools. *Journal of Education and Human Development*. 2016; 5(4): 237-244.
12. Yamak S, Ergur A, Özbilgin, M.F, and Alakavuklar O.N. Gender as symbolic capital and violence: The case of corporate elites in Turkey. *Gender, Work and Organization Journal*. 2016; 23(2): 135-136.
13. Fernández E.G, Bedía R.C, and Cerdá M.E. The media and the symbolic violence against women. *Revista Latina de Comunicación Social*. 2016; 71: 818 - 832.
14. Sheila A, Shannon M, and Escamilla K. Mexican immigrants in U.S. schools: Targets of symbolic violence. *Educational policy*. 1999; 13(3): 347-370.
15. Kwon S. (Dissertation) Violence in South Korean Schools and the Relevance of Peace Education. University of Birmingham; 2015.
16. Rostamyfar E, and Bahian Sh. Analysis of interpersonal communication among the movies of Hollywood in 2000's decay, *Quarterly Journal Of Iranian Association For Cultural Studies & Communication*. 20117; (25): 173- 202. [Persian].
17. Mehdi Zadeh S. Secularism and symbolic violence in television discourse: The discourse analysis of the BBC Persian broadcasting program. *Journal of Culture-Communication Studies*. 2015; 16 (63): 105-130. [Persian].
18. Swanson L.B. (Dissertation) Phenomenology of divorce for young men (unpublished PHD thesis). University of UtahIn. Department of Educational Psychology; 2004.
19. Smith J.A, Flower P, and Larkin M. Interpretative phenomenological analysis: Theory method and research. London: Sage; 2009.